

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

فلسطین؛ پس از 30 سال اعلام استقلال!



(ترجمه)

ياسر عرفات در 15 نومبر 1988م از کاخ صنوبر در پایتخت الجزایر، تأسیس دولت مستقل فلسطینی را که پایتخت آن قدس باشد، اعلام نمود و در سخنرانی خود در شورای ملی فلسطین اعلامیه استقلال را که توسط شاعر فقید فلسطینی، محمود درویش تحریر یافته بود، قرائت نمود. درین اعلامیه چنین ذکر شده بود: «به نام الله مردم عرب فلسطین، شورای تأسیس دولت فلسطینی را بر سرزمین فلسطینی ما که پایتخت آن قدس شریف باشد، اعلام می کند.» و نیز درین اعلامیه به صراحت از ادامه مبارزه جهت بیرون راندن اشغال و تحکیم حاکمیت و پاسداری از استقلال یاد شده بود.

اکنون 30 سال است که از اعلام استقلال بر روی کاغذ می گذرد؛ حال باید دید که واقعیت عملی مسئله فلسطین در چه حدی قرار دارد؟ در یک چشم انداز کوتاه روشن خواهد شد که از زمان قرار گرفتن قضیه فلسطین در دستان سازمان آزادی بخش و تشکیلات خودگردان فلسطینی، فلسطین و مردم آن با فجایع بسیاری مواجه می باشند:

از لحاظ تسلط جغرافیایی: طبق گزارش صادره‌ای ماه می 2016م اداره مرکزی احصائیة فلسطین، 58درصد از مساحت سرزمین فلسطین را که بالغ بر 27000 کیلومتر می‌باشد، تحت تسلط دولت یهود قرار گرفته است و تنها 15درصد از مساحت این سرزمین تحت تسلط ادعایی مردم فلسطین می‌باشد، و نیز اگر حجم توسعه‌ای شهرک‌سازی یهود از آن زمان بدین سو به این آمار علاوه شود، در این صورت مساحت باقی مانده برای ما قابل تصور نخواهد بود و حتی باقی ماندن درصدی مذکور تحت سلطه مردم فلسطین از لحاظ نظری نیز یک فرضیه خواهد بود. این چیزی است که نتانیاهو نخست وزیر دولت یهود را وادار نمود تا در این اواخر راه‌حل عملی و ایده‌آل درگیری‌ها را استقلال و خودمختاری کانتون‌ها و قصبات فلسطینی عنوان کند.

اصطلاح قدس شریف: یک لف لفه‌ای است که برای محدود ساختن مکان‌های مقدس به قدس و یا حداقل به قدس شرقی در عوض قدس غربی و گمراه ساختن افکار و اذهان عامه، سازمان آزادی‌بخش فلسطین و تشکیلات خودگردان فلسطینی از آن استفاده می‌نمایند؛ این چیزی است که پیش از بدست آوردن کدام امتیازی، سازش‌گری را تحمیل می‌کند. نگاه مختصر بر حجم یهودی‌سازی و شهرک‌سازی یهودیان در شهر قدس و به رسمیت شناخته شدن قدس به عنوان پایتخت دولت یهود به وسیله ترامپ، نشان می‌دهد که تصور قدس به عنوان پایتخت دولت فلسطین بیشتر نزدیک به یک رؤیا است. 30 سال از اعلام استقلال می‌گذرد و قدس هنوز تحت کنترل کامل یهودیان باقی مانده است؛ بلکه حتی مردم فلسطین به استثنای تعداد اندکی، آن‌هم در معیارها و شرایط اشغال، اجازه ورود به قدس را ندارند.

ادامه مبارزه برای تحکیم حاکمیت و پاسداری از استقلال: پس از گذشت 30 سال با یک رسوایی قابل توجهی مواجه می‌باشد، مبارزات تبدیل به جشنواره‌های رقص زمینه‌سازی برای عادی نمودن روابط با یهود شده است. صحبت مقاومت جای خود را به صحبت در مورد هماهنگی‌های امنیتی مقدس با اشغال داده است. تشکیلات خودگردان به خود یک واقعیت ذلت‌باری به صورت سه بعدی ترسیم نموده، تاجایی که نقش افسران و فرماندهان تشکیلات، حفاظت و راه‌گشایی برای جیب‌های اشغال شده است. فعالیت‌های امنیتی تشکیلات منحصر به حفاظت از اشغال بوده و بی‌شرمانه برای تأمین امنیت آن و شهرک‌های آن مانند کاروانی که از آن نگهداری می‌شود، شب‌ها پاسبانی می‌کنند. این در حالی است که نیروهای امنیتی تشکیلات، که به ده‌ها هزار تن می‌رسند، از صحنه حفاظت از مردم فلسطین و سرزمین‌های‌شان به گونه فراموش شده‌ای غائب و بی‌مسئولیت می‌باشند.

از لحاظ سیاسی: تأسیس تشکیلات و به رسمیت شناخته شدن آن به موجودیت یهودیان و به اشغال‌شان قانونیت بخشید. تنها صحبت از رسمیت شناسی بین‌المللی یک دولت فلسطینی در کنار دولت یهودی باقی ماند و بس. مسئله‌ای قانونیت دولت یهود یکی از صحبت‌های حاشیه‌ای تشکیلات فلسطینی، حکام عرب و مسلمان و بقیه حکام جهان می‌باشد، تا

جایی که اشغال از یک بیگانه‌ای گذرا به ساکن بومی با اصل و ریشه تبدیل شده است. بلی، این اعلامیه استقلال بود که به ورود سیاسی دولت یهود در جهان اسلام، از یک دروازه بسیار گسترده‌ای تکت رسمی داد.

تنها تفکر اعلام استقلال از سوی سازمان آزادی‌بخش و شورای ملی، خود یک نمایش مسخره بود؛ زیرا سازمان و شورایی که افراد آن بدون اجازه یهود توان راه رفتن در سرزمین مقدس فلسطین را ندارند، چگونه می‌توانند بر این سرزمین اعلام استقلال نمایند؛ بلکه این سبک مغزی و اهانتی است که این قوم بر خود رواداشته اند؛ زیرا دولت بر روی برگ‌های کاغذ برپا نمی‌شود. استقلال به پیغام اعلام نمی‌گردد. مسئله از سخنرانی‌های فهبویی و اسناد کاغذی توخالی گذشته است؛ بلکه دولت را میدان‌های بانگ و خروش و جنگ و تشکیل میدان‌های آزادی واقعی پایه‌گذاری می‌کند؛ میدان‌هایی که الله سبحانه و تعالی به تشکیل آن برای پاک‌سازی سرزمین مبارک از پلیدی اشغال و ریشه‌کن کردن آن از این سرزمین، امر کرده است.

اما آن‌ها صحبت تفنگ و صدای سلاح را به سخنرانی‌ها، شعارها و حاجت طلبی‌ها در راهروهای مؤسسات و هیئت‌های جنایتکار سیاسی عربی و بین‌المللی عوض نموده اند و نزد کسانی التماس می‌کنند که خود دولت غاصب یهود را غرس و اسباب زندگی با امنیت آن را فراهم کرده اند.

وضعیت بعد از 30 سال از اعلام استقلال چنین باقی ماند؛ تشکیلاتی که جز ساختار ناچیز و بدون حاکمیت و قدرت، چیزی بیش نمی‌باشد، مثل گدایی بیچاره دست به سوی امریکا و جهان دراز می‌نماید تا او را به عنوان یک دولت تشریفاتی و بدون پایه و اساس در کنار دولت یهود بپذیرند؛ در کنار رژیم‌هایی که از تمام قدرت و حاکمیت بر سرزمین فلسطین برخوردار است. آن‌ها گمان می‌کنند که بدین ترتیب اوضاع بر یهود خوش گذشته و امنیت‌شان تأمین و آرامش به مسلمان برمی‌گردد؛ باهم زیستن و تفاهم "مانند فیلم‌های رومانتیک و صحنه‌های شعری" آغاز می‌شود.

قضیه فلسطین جز اینکه کاملاً از اشغال آزاد شود، راه‌حلی دیگری ندارد؛ راه‌حلی که تنها به وسیله ارتش‌های قدرتمند و جهاد بدست می‌آید؛ آزادسازی که الله سبحانه و تعالی امت اسلامی را به آن امر کرده است؛ چیزی که به خواسته الله سبحانه بزودی به وقوع خواهد پیوست.

نویسنده: باهر صالح

14 ربیع الاول 1440 هـ.ق

21 نومبر 2018 م